



کنکاشی در تأثیر اربعی مجازات اعدام

دکتر مسین میرمحمد صادقی

رئیس دانشکده علوم قضایی

بیایی آسانتر و پایدارتر از برخورد خشن ولی زودگذر متأثر می شود... آنچه مردمان را از ارتکاب جرایم باز می دارد نمایش موخس ولی زودگذر مرگ یک تبهکار نیست، بلکه نمونه ممتد و مستمر انسانی است محروم از آزادی... این بسیار نیرومندتر از مرگ است که مردمان همیشه دورنمای مبهمی از آن در نظر دارند. (۷) به نظر «سروالتر هوبرلی» (۸) امیدی که در ذهن مجرمین بالقوه، از یک فقره عفو حاصل می شود بسیار بیش از ترسی است که ممکن است از بیست فقره اعدام حاصل گردد (۹) و با توجه به راههای مختلفی که در نظامهای حقوقی برای فرار از اعدام وجود دارد، این مجازات در عمل، اثر ترس زایی خود را از دست داده است.

برای مثال، جدول زیر که مربوط به ناحیه «میدل سکس» انگلستان و در مورد تعداد محکومین به اعدام و کسانی که در عمل، اعدام شده اند می باشد، در این زمینه قابل توجه است. (۱۰)

انگلستان در تاریخ ۳۰ می ۱۸۱۰ م، برای رد طرح مجلس عوام دایر بر لغو مجازات اعدام برای سرقت کالاهایی که کمتر از پنج شلینگ ارزش دارند، آن بود که لغو اعدام برای جرم جیب بری در دو سال قبل از آن تاریخ موجب افزایش ارتکاب این جرم شده بود. (۵)

مخالفان اعدام در پاسخ اظهار می دارند: اولاً- اثر ترس زایی مجازات نسبتاً سبکی که بدون استثنا و با سرعت و به طور مستمر اعمال گردد بسیار بیش از مجازات زودگذر و سنگینی است که احتمال اجرای آن کم است. به قول «سزار بکاریا»: «حتمی بودن عقوبتی حتی معتدل همیشه تأثیری شدیدتر از ترس از مجازاتی موخس که امید رهایی در آن راه دارد به جا می گذارد؛ زیرا وقتی گریز از کیفر محال باشد، ملایمترین رنجها روح بشر را متالم می سازد.» (۶) وی درجای دیگری می گوید: «سختی کیفر نیست که ژرفترین اثر را بر روح انسان باقی می گذارد، بلکه طول مدت آن است، زیرا قوای حسی ما از تأثیرات ضعیف ولی

یکی از اهداف مجازات، ایجاد ترس در مجرم (۱) و سایر مردم (۲) از ارتکاب جرم در آینده است. به نظر موافقان اعدام، حیات عزیزترین دارایی شخص و بنابراین ترس از مرگ بالاترین ترس هاست. بدین ترتیب باید مجازات اعدام را در جهت ایجاد این رعب و هراس در دل مرتکبان بالقوه جرایم سنگین حفظ کرد. به همین دلیل است که کمتر محکوم به اعدامی از تلاش برای تخفیف مجازات خود به حبس دائم خودداری و یا به قول «جیمز فیتز جیمز استفن» (۳) قاضی کیفری دوران ملکه ویکتوریا، پیشنهاد تخفیف مجازات به حبس ابد را رد می کند. (۴)

طرفداران اعدام برای اثبات ترس زا بودن این مجازات به این نکته اشاره می کنند که لغو اعدام در برخی از کشورها موجب افزایش تعداد جرایم ارتكابی در آن کشورها شده است. برای مثال، دلیل عمده مجلس اعیان

سال	تعداد متهمین	تعداد محکومین به اعدام	تعداد اعدامیها
۱۸۱۲	۱۶۶۳	۱۱۳۲	۱۹
۱۸۱۳	۱۷۰۷	۱۳۸	۱۷
۱۸۱۴	۱۶۴۶	۱۵۸	۲۱
۱۸۱۵	۲۰۰۵	۱۳۹	۱۱
۱۸۱۶	۲۲۲۶	۲۲۷	۲۹
۱۸۱۷	۲۶۸۶	۲۰۸	۱۶

در مورد تعداد اعدامها در کشورهای مختلف نیز آمار زیر وجود دارد.^{۳۳}

نام کشور	تعداد اتهام ها	تعداد محکومیت	تعداد اعدام های اجرا شده
کانادا	۳۰۸	۱۱۱	۵۱
استرالیای جنوبی	۲۷	۹	۲
استرالیای غربی	۲۴	۸	۱
استرالیای شمالی	۵۷	۴	۲
زلاند نو	۲۱	۱۰	۷
جزایر فیجی	۴۲	۱۴	۷
ژاپن	۳۸۵	۱۳۴	نامعلوم
هنگ کنگ	۷۳	۳۰	۲۳
رودزیای شمالی	۱۷۴	۴۹	۲۶
جزیره موریس	۲۱	۴	۲
مراکش	نامعلوم	۴۳	۱۴
مالاوی	نامعلوم	۲۵	۹
زنگبار	نامعلوم	۱۴	۵
غنا	نامعلوم	۱۷۹	۵۴
نیجریه	نامعلوم	۵۹۰	۲۵۱
سیلان	نامعلوم	۵۴۱	۴۸
سودان	نامعلوم	۵۴۷	۳۵۴
اسپانیا	نامعلوم	۳۳	۸
فرانسه	نامعلوم	۳۳	۱۱
انگلستان	نامعلوم	۱۰۰	۲۸

به علاوه، مجرمین بالقوه معمولاً قبل از ارتکاب جرم به پی آمدهای منفی عمل خود نمی‌اندیشند، بلکه تنها پس از ارتکاب جرم و چه بسا پس از دستگیری است که ترس از مجازات آنان را نگران و مشوش می‌سازد. به عبارت دیگر، به نظر مخالفین، نباید موقعیت مجرمی را که به پای چوبه دار آورده شده است با موقعیت شخصی که در فکر ارتکاب جرمی است که مجازات آن اعدام می‌باشد، قیاس کرد. هرچند در مورد اول، مواجهه با مرگ باعث ترس شدید اکثر افراد می‌شود لیکن در مورد دوم، یا اساساً منطبق‌گرایی و محاسباتی که به وسیله طرفداران تئوری ترس زایی اعدام مفروض انگاشته می‌شود، در مجرمین بالقوه وجود ندارد و یا اینکه امید به عدم دستگیری، عدم اثبات جرم، تخفیف یافتن مجازات و نظایر آن، هرگونه ترس از اعدام را تحت الشعاع قرار می‌دهد. برای مثال در انگلستان نسبت دستگیریه‌ها به قتلها ۱ به ۶ و نسبت اعدامها به قتلها ۱ به ۱۲ بوده است (که اگر قاتلینی را که مرتکب خودکشی شده‌اند نیز به حساب آوریم، ارقام مذکور به ترتیب

شده، تهیه‌کننده گزارش، ضمن اشاره به اینکه به هیچ قاتلی که قبل از ارتکاب قتل به اعدام اندیشیده باشد برخورد نکرده است، به ذکر موارد زیر می‌پردازد:

در یک مورد، شخصی که سالها مأمور انتقال محکومین به اعدام از لس آنجلس به ناحیه سنت کونتین (St. Quentin) در کالیفرنیا برای اجرای حکم بوده و سپس خود مرتکب قتل همسرش شده بود، در زندان به تهیه‌کننده گزارش اظهار داشته است که حتی برای یک لحظه به اعدام خود نیاندیشیده، بلکه فقط در فکر کشتن همسرش بوده است.

مورد دیگر مربوط به یک فرد زندانی است که خود در ساختن اتاق گازی که بنا بوده به جای دار زدن برای کشتن مجرمین به کار رود نقش داشته و خصوصیات آن را کاملاً برای سایر زندانیان تعریف می‌کرده است. با این حال، خود وی پنج سال پس از رهایی از زندان مرتکب قتل دو عضو خانواده اش و یک نفر دیگر می‌شود. او در پاسخ پرسش تهیه‌کننده گزارش اظهار می‌دارد که پس از

که به خوبی نمایانگر آن است که عواملی چون جنون و هیجانان آنی و حس انتقام جویی، ترس از اعدام را کاملاً تحت الشعاع قرار می‌دهند. (۱۲)

مورد دیگری که در کشور خود ما اتفاق افتاده است، ارتکاب قتل از سوی فردی به نام نیازعلی است که در چهاردهم فروردین سال ۱۳۷۲ در روستایی از توابع همدان، مرد دیگری را کشته بود. یکی از جراید سرنوشت او را تحت عنوان «مصاحبه با محکوم، چهار ماه پس از اعدام» به شرح زیر آورده است. این سرگذشت نشان می‌دهد که ترس از مجازات در چه لحظه‌ای به سراغ مجرم می‌آید:

«آنهایی که در آن سحرگاه سرد اسفند ۷۴، پای چوبه دار نیازعلی ایستاده بودند می‌گویند: پس از آن که حلقه دار به گردن محکوم افتاد و مادر مقتول چهار پایه را از زیر پایش کشید، ما بیست دقیقه منتظر شدیم. همانها می‌گویند: وقتی محکوم بین زمین و آسمان معلق ماند به شدت دست و پا زد، چهره اش سیاه شد و زبانش از کام بیرون افتاد و از آن پس دیگر هیچ حرکتی نکرد. تا بیست دقیقه

به نظر موافقان اعدام، میات عزیزترین دارایی شفص و بنابراین ترس از مرگ بالاترین ترس هاست. بدین ترتیب باید مجازات اعدام را در جهت ایجاد این رعب و هراس در دل مرتکبان بالقوه جرایم سنگین مفاظ کرد

۱ به ۶ و ۱ به ۳ می‌شود) (۱۲) به علاوه، برخی از اشخاص، مثل قاچاقچیان مواد مخدر و گانگسترها، به اعدام به عنوان ریسک شغل خود می‌نگرند که تنها اثر آن بالا بردن نرخ فعالیت آنهاست. در گزارشی که در مورد این موضوع تهیه و به کمیته سنای آمریکا ارائه

نفوذ شیطان به درون انسان، وی به هیچ چیز به جز کاری که در صدد انجام آن است نمی‌اندیشد.

تهیه‌کننده گزارش اضافه می‌کند که در سال ۱۹۵۲ م، چهار قتل در حیاط بازداشتگاه سنت کونتین در بیست قدمی اتاق گاز رخ داد

بعد نه محکوم در بالای دار و نه دیگران که پای دار در انتظار جان کندن محکوم ایستاده بودند، تکان نمی‌خوردند. جسد از بالای دار پایین آورده می‌شود و با آمبولانس به پزشکی قانونی انتقال می‌یابد. پزشکی قانونی، گواهی فوت صادر می‌کند. چهار یا پنج ساعت بعد

گزارش به این موضوع اشاره شده است که صحنه های اعدامهای علنی معمولاً بهترین مکان برای جیب برها بوده و ارتکاب جیب بریهای متعددی در این مکانها گزارش شده است. جالب توجه آنکه اکثر این جیب بریها درست در لحظه اعدام محکوم رخ می داده، یعنی بردن دست در جیب قربانی تقریباً مصادف با کشیده شدن طناب دار توسط

می خوردند. نسیم دیگر بند آمده بود. در تاریکی بین زمین و آسمان می کوشیدم سینه ام را از هوا پر کنم، اما انگار ریه هایم دو کیسه پلاستیکی مجالیه شده بودند، هوایی به درونم راه نمی یافت.»

نیازعلی در ادامه می گوید:

«دیگر بایم رمق رفتن دوباره به پای چوبفشار را ندارد، برای اینکه می دانم در آن بالا چه

است که برادران فرد معدوم به پزشکی قانونی می آیند تا جسد را تحویل گیرند. نیازعلی خودش نمی داند که دست کدام برادر از سر اتفاق بر قلبش می نشیند و تپش زندگی را حس می کند. برادر از پزشکی قانونی درخواست معاینه مجدد می کند و تنها در جریان معاینه است که همه در می یابند نفسی می آید و می رود. نیازعلی آن روز به زندگی، به

مجرمین بالقوه معمولاً قبل از ارتکاب جرم به پی آمدهای منفی عمل فود نمی اندیشند، بلکه تنها پس از ارتکاب جرم و چه بسا پس از دستگیری است که ترس از مجازات آنان را نگران و مشوش می سازد

مأمور اجرای حکم بوده است؛ چرا که در این لحظه، سرها کاملاً رو به بالا و حواسها متوجه صحنه اعدام می باشد. اهمیت این گزارش از آنجا بیشتر می شود که توجه داشته باشیم که در آن ایام، جرم جیب بری خود مجازات اعدام را در پی داشت. (۱۶) به دنبال انتشار این گزارش که اقلیت تهیه کنندگان آن موافق لغو مجازات اعدام به طور کلی بودند اجرای علنی مجازات اعدام در انگلستان متوقف گشت. علت دیگری که موجب صدور چنین توصیه ای از سوی تهیه کنندگان این گزارش شد، آن بود که مطابق برخی از گزارشها پس از اجرای اعدام های علنی گاهی جرایم مشابهی در سطح جامعه ارتکاب می یافتند. این مؤید آن بود که اعدامهای علنی موجب آشنا شدن مجرمین بالقوه با جرایم جدید بوده و خود یکی از طرق اشاعه جرم در جامعه می باشد. به علاوه، در برخی از موارد و برای بعضی از تماشاچیان، شخص محکوم به اعدام همچون قهرمان یک نمایشنامه حزن انگیز جلوه

زجری در انتظارم است. من این را زندگی دوباره می دانم و دایم به درگاه خداوند شکر می گزارم. می دانم که فرصت چند روزه ای بیشتر ندارم. همه اوقاتم را به نماز و عبادت می پردازم، ولی اعتراف می کنم که در زندگی جدیدم یک لحظه فکر مرگ من را راحت نگذاشته است... من یک بار مرده و جزای خطایم را دیده ام. از بستگان مقتول می خواهم که مرا عفو کنند.» (۱۴)

مخالفین مجازات اعدام در اثبات ترس را نبودن این مجازات به موارد دیگری نیز اشاره می کنند، مثل اینکه اولین اسکناس جعلی در انگلستان چند روز پس از تعیین مجازات اعدام برای جرم جعل منتشر شد و یا آنکه در قرن نوزدهم، از ۱۶۷ محکوم به اعدام، ۱۶۴ نفر آنها قبلاً ناظر برگزاری اعدامهای علنی بوده اند. (۱۵) آنها به علاوه، به گزارش منتشره از سوی کمیسیون سلطنتی، که در انگلستان مأمور شده بود تا در مورد وضعیت اعدامهای علنی تحقیق کند، استناد می کنند. در این

شهر و به بیمارستان باز می گردد.» نیازعلی در پاسخ این سؤال گزارشگر که از لحظه اعدام چه به یاد داری، مطالبی می گوید که برخی از آنها مدعای مخالفان اعدام را ثابت می کند. وی اظهار می دارد: «تا پیش از آنکه حلقه طناب را به گردنم بیندازند هنوز امیدهایی در دلم بود. به من می گفتند بستگان مقتول تو را می بخشند. می پرسیدم: پس کی؟! می گفتند: مطمئن باش، پای چوبه دار! نگاه به چشم آنها دوخته بودم. حتی وقتی که حلقه دار به گردنم می افتاد با خودم می گفتم الآن من را می بخشند، گذشت می کنند؛ اما وقتی دیدم مادر مقتول چهار پایه را از زیر پایم می کشد، مرگ همه وجودم را فرا گرفت. زجر فراوانی کشیدم. چه مرگ تلخی بود! آن ثانیه اول انگار هزار سال گذشت و در همان لحظه بود که از کشتن دیگری به شدت پشیمان شدم. بعد حس کردم دست و پایم به شدت تکان می خورد. اصلاً به اختیار خودم نبود، همین طور تکان

می کند و آنها در آینده سعی در تقلید کردن از او می کنند. برای مثال گفته است که یک مرد انگلیسی به نام "مارجرام" دختری را فقط به این انگیزه که اعدام شده و معروف شود کشته بود و دلیل ایجاد این انگیزه در وی نیز آن بوده است که او قبلاً یک صحنه اعدام را مشاهده کرده و فرد محکوم در نظر وی همچون قهرمانی بزرگ جلوه کرده بوده است. مخالفین اعدام در رد ترس از بودن مجازات اعدام، و اینکه عواملی چون احتمال دستگیری و نظایر آن در این مورد تأثیر بیشتری دارند، به مثال مشهوری استناد می کنند و آن اینکه دو نفر، مردی را در ایالت نیوهمپشایر کانادا (که مجازات اعدام در آن لغو شده بود) ربوده و

برای جیب بری در انگلستان موجب افزایش ارتکاب این جرم در آن کشور شده است، بلکه آمار موجود تنها می تواند این موضوع را نشان دهد که تعداد جیب بری هایی که توسط پلیس مورد تعقیب قرار گرفته و نیز تعداد افرادی که به دلیل ارتکاب این جرم محکوم گشته اند افزایش داشته است. این امر می تواند دلایل متعددی داشته باشد، از قبیل اینکه با لغو مجازات اعدام برای این جرم، قربانیان بیشتری تمایل به گزارش کردن ارتکاب جرم به پلیس و پیگیری موضوع پیدا کرده اند. چه بسا این افراد قبلاً به این دلیل که نمی خواسته اند دیگری را در معرض مجازات مرگ قرار دهند از این کار ابا داشته اند.

مجرمین بیشتری به سزای اعمال خود برسند. مخالفین اعدام به نوبه خود، با ذکر آمارها و گزارشهای متعدد، مثل گزارش کمیسیون سلطنتی انگلستان، اظهار می دارند که هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد لغو اعدام برای قتل عمد در کشورهای مختلف موجب افزایش این جرم در آن کشورها شده است. برای مثال، مطابق گزارش ارائه شده توسط اف.بی.آی (پلیس فدرال آمریکا) میزان نسبی قتل عمد در ایالات جنوبی آمریکا از ایالات شمالی بیشتر است یا اینکه تقریباً کلیه ایالات جنوبی مجازات اعدام را حفظ کرده اند در حالی که این مجازات مدتهاست که در ایالات شمالی

میزان قتل به نسبت هر صد هزار نفر جمعیت

ایالاتی که مجازات اعدام را لغو کرده اند	ایالاتی که مجازات اعدام را حفظ کرده اند
ویسکونسین	فلوراید
رود آیلند	کارولینای جنوبی
ماین	جورجیا
میشیگان	ماساچوست
	کانکتیکات
	اوهایو
	ایندیانا

سپس با گذشت از دو ایالت دیگر (که در آنها نیز مجازات اعدام لغو شده بود) وی را در ایالت چهارم (که در آنجا مجازات قتل عمد اعدام بود) به قتل رسانیدند. دلیل آنها برای انتخاب این ایالت آن بوده که در این ایالت احتمال دستگیری آنها کمتر بوده است. (۱۷)

ثانیاً، به نظر مخالفین اعدام، موافقین نمی توانند اثبات نمایند که لغو مجازات اعدام

به علاوه، شهود نیز به همین دلیل از ادای شهادت علیه متهم خودداری کرده و اعضای هیأت منصفه هم چون حکم دادن به اعدام فرد به دلیل ارتکاب یک جرم کوچک با وجدان نشان ناسازگار بوده است، به طور کلی حکم به برائت متهم می داده اند. بنابراین، به نظر مخالفین اعدام، لغو این مجازات برخلاف آنچه که موافقین اظهار می دارند باعث شده است که

لغو شده است. (۱۸) آمار زیر در این زمینه قابل توجه می باشند. (۱۹)

نکته قابل ذکر در مورد ارائه آمار برای اثبات یا رد تأثیر لغو مجازات اعدام در افزایش جرم آن است که به طور کلی چنین شیوه ای نمی تواند چندان صحیح و قابل اعتماد باشد، چرا که آمار مقایسه ای به یکی از سه صورت زیر مورد استفاده قرار می گیرد، که هر یک از

صور مذکور دارای اشکالاتی است:
الف - مقایسه بین کشورهایی که مجازات اعدام را لغو کرده اند و کشورهایی که آن را حفظ کرده اند. این شیوه به هیچ وجه مقبول نیست؛ زیرا افزایش یا کاهش جرم علاوه بر شدت مجازات بستگی به عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی، قضایی، روانی

وقفه ای بین زمان لغو عملی و لغو رسمی، تعیین تاریخ دقیقی که از آن تاریخ مجازات اعدام تهدیدی جدی به شمار نمی رفته است کاری بس دشوار می باشد. به عبارت دیگر، این موضوع را نمی توان با موضوعی مثل مقایسه میزان آلودگی هوا قبل و بعد از ممنوعیت استفاده از بنزین سرب دار خودروها

جرم در آنها کاملاً مشابه بوده و در عین حال برخی مجازات اعدام را حفظ و بعضی دیگر آن را لغو کرده باشند، مشکل می باشد. به علاوه، آمارهای معدود موجود در این زمینه گاهی با یکدیگر متناقض هستند.
بدین ترتیب می توان گفت که استفاده از روش آماری برای اثبات ترس ز بودن یا نبودن

دولتها علاوه بر دقت در اجرای مجازات اعدام، که غیر قابل برگشت می باشد، نباید با تکیه بر آن، وظایف خود را در یافتن عوامل جرم زا و مبارزه با آنها به فراموشی بسپارند و تصور کنند که تعیین مجازات اعدام برای جرایم می تواند مجریان بالقوه را از ارتکاب آنها باز دارد

و نظایر آنها دارد، که این عوامل در کشورهای مختلف متفاوت هستند. به همین دلیل در دورانی که مجازات قتل عمد در انگلستان اعدام بود، میزان نسبی این جرم در این کشور از میزان آن در کشورهای اسکاندیناوی که اعدام را لغو کرده بودند کمتر و در نقطه مقابل، از ایالت ویسکونسین (۲۰) در آمریکا که آن هم اعدام را لغو کرده است بیشتر بود. برعکس، میزان نسبی قتل در ایالت اخیرالذکر از میزان آن در بسیاری از ایالات دیگر آمریکا که مجازات اعدام را حفظ کرده اند کمتر است.

ب- مقایسه بین تعداد جرایم در یک کشور، قبل و بعد از لغو مجازات اعدام. این روش هرچند از روش اول معقول تر است اما خود دارای اشکالاتی است که از دقت آن می کاهد. اولاً: کشورهای که اعدام را به طور رسمی لغو کرده اند معمولاً این کار را پس از یک دوره نسبتاً طولانی لغو عملی انجام داده اند. مثلاً در کشور نروژ، آخرین اعدام در سال ۱۸۷۶ م، اجرا شد، در حالی که این مجازات رسماً در سال ۱۹۰۵ م، لغو گردید. با وجود چنین

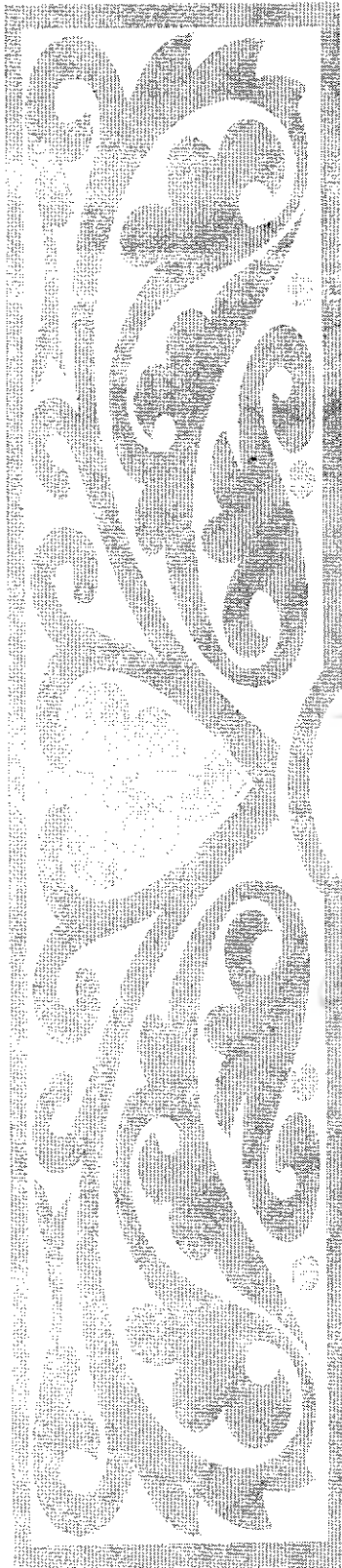
قابل قیاس دانست. نکته دوم اینکه، حتی در صورت امکان تعیین چنین تاریخی، اثری که لغو اعدام بر تعداد جرایم ارتكابی می گذارد تنها در طول یک دوره نسبتاً طولانی قابل مشاهده و بررسی است و ظرف این مدت سایر عوامل مؤثر در میزان ارتكاب جرم تغییر کرده اند و این امر باز مقایسه ما را غیر دقیق می سازد. همان گونه که «گولد» (Gold) در نامه ای تحت عنوان «آیا باید مجازات اعدام لغو گردد؟» (۲۱) به نشریه «لیسنر» (۲۲) می نویسد:

«بسیار است بتوان تصور کرد که در یک کشور متمدن تعدادی قاتل بالقوه صف بسته و برای ارتكاب قتل فقط منتظر لغو مجازات اعدام باشند و یا بالعکس!»

ج- مقایسه بین تعداد جرایم در کشورهای همسایه ای که از هر نظر به یکدیگر شبیه هستند ولی بعضی مجازات اعدام را لغو و برخی آن را حفظ کرده اند. این شیوه از دو شیوه فوق بهتر و مورد اطمینان تر است؛ اما یافتن کشورهایی که همه عوامل مؤثر در ارتكاب

مجازات اعدام صحیح و قابل قبول به نظر نمی رسد. جهت روشن شدن بیشتر موضوع مثالی می زنیم: معدل ده ساله قتل در فاصله سالهای بین ۱۹۱۰ م، و ۱۹۳۹ م، در انگلستان از ۴/۱ به ۳/۳ در میلیون کاهش یافت. حال اگر مجازات اعدام در اوایل دهه اول دوره فوق در کشور انگلستان لغو و حتی این امر منجر به افزایش تعداد قتلها می شد، باز آمار متخذه کاهش قابل توجهی در میزان قتلها (یعنی از ۴/۱ به ۳/۵) را نشان می داد و ما با تکیه بر آمار چه بسا فریب خورده، و بدون توجه به اینکه روند ارتكاب قتل در فاصله سالهای مذکور به طور کلی سیر نزولی داشته است، لغو مجازات اعدام را مؤثر در این کاهش می دانستیم، در حالی که در مثال فوق لغو اعدام عملاً موجب افزایش ارتكاب قتل شده است.

نتیجه ای که می توان از این بحث در مورد تأثیر اربابی مجازات اعدام گرفت آن است که، با توجه به اینکه مجازات اعدام، عزیزترین سرمایه انسان را از او می گیرد، نمی توان اثر



- 9-Capital Punishment" in New Material Magazine, 1972. Canada."
- 10-Drewry: LawandMorality.A Reader .P.41
Lewis Bloom _ Cooper and Gavin
۱۱- مارک آنسل، مجازات اعدام، صص ۹۴ و ۹۶.
۱۲ - ۸۷ ج و ۱۹۶۸، Responsibility, and
H. L. A. Hart: Punishment
13 - Material Magazine, 1972. Canada* P.97."
Capital Punishment" in New
۱۴- کیهان، ۱۳۷۵/۴/۱۴.
15- Capital Punishment" , op. Cit., P. 97."
16-Drewry: Law and Morality.AReader.P.41.
Lewis Bloom _ Cooper and Gavin
17-Material Magazine, 1972. Canada P.102."
Capital Punishment" in New

اربعی آن را نادیده گرفت؛ لیکن این تأثیر، بنا به دلایل مختلفی که به برخی از آنها در این مقاله اشارتی رفت، مطلق نمی باشد و در نتیجه دولتها، علاوه بر دقت در اجرای این مجازات، که غیر قابل بازگشت می باشد، نباید با تکیه بر آن، وظایف خود را در یافتن عوامل جرم زا و مبارزه با آنها به فراموشی سپارند و تصور کنند که تعیین مجازات اعدام برای جرایم می تواند مجرمان بالقوه را از ارتکاب آنها باز دارد. بطلان این تصور در جرایمی مثل قاچاق مواد مخدر، که در برخی از کشورها از جمله ایران بر خوردهای سنگینی، مثل اعدام، با مرتکبان آنها صورت گرفته است، کاملاً به اثبات رسیده است.

پی نوشت ها:

- 1- Special Deterrence.
- 2- General Deterrence.
- 3- James Fitzjames Stephen.

بعید است که بتوان تصور کرد که در یک کشور متمدن تعدادی

قاتل بالقوه صف بسته و برای ارتکاب قتل فقط منتظر لغو

مجازات اعدام باشند

- ۱۸- همان مرجع.
۱۹- این آمار توسط اف. بی. آی. در سال ۱۹۶۲ م، منتشر شده است.
20 -Wisconsin.
21 -Should the Death Penalty Be bolished?"
22 -Listener, 9 February, 1956, P. 217
- 4- L. A.H.Hart: Responsibility P.89.
Punishment and
5-Lewis Bloom _ Cooper and Gavin
Drewry: Law and Morality. A Reader ,
۶- سزاریکاریا، رساله جرایم و مجازاتها، صص ۹۸ و ۹۹.
۷- همان مرجع، صص ۸۲ و ۸۴.
8 -Sir Walter Moberly.